



تبیین ساختار تعامل پذیری

به منظور ارتقاء کیفی فضاهای شهری

پوریا احمدزاده^۱، محمد باقری^۲، مهرداد سلطانی^۳

- ۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، مهندسی معماری دانشگاه زنجان، زنجان، ایران.
- ۲- استادیار معماری، عضو هیئت علمی دانشکده معماری دانشگاه زنجان، زنجان، ایران
- ۳- استادیار معماری، عضو هیئت علمی دانشکده معماری دانشگاه زنجان، زنجان، ایران

Defining The Structure of Intractability

To Enhance The Quality of Urban Spaces

Pourya Ahmadzadeh¹, Mohammad Bagheri², Mehrdad Soltani³

- 1- M.A. Student in Architecture, University of Zanjan
- 2- Assistance Professor, School of Architectural Studies, University of Zanjan
- 3- Assistance Professor, School of Architectural Studies, University of Zanjan

ایمیل نویسنده مسئول : ahmadzadeh.pou@gmail.com

*Corresponding Author: ahmadzadeh.pou@gmail.com

چکیده

عرصه‌های عمومی در شهر به عنوان محل برخوردهای بین فردی، نقش به‌سزایی در تجربیات اجتماعی شهروندان دارند. لذا در تبیین و تعریف عرصه‌های عمومی به عنوان فضای شهری، نکته کلیدی اجتماع‌پذیری این عرصه‌ها می‌باشد. در واقع زمانی می‌توان یک عرصه عمومی را به عنوان فضای شهری قلمداد کرد که واجد اجتماع‌پذیری باشد. اساسی‌ترین نکته در باب اجتماع‌پذیری، وجود برخوردهای معنادار بین افراد در قالب تعاملات اجتماعی می‌باشد. لازم است شناختی پیرامون عوامل مؤثر بر تعامل‌پذیری حاصل گردد. در صورت کلی مؤلفه‌های مؤثر بر تعامل‌پذیری در یک فضای شهری را می‌توان تحت عناوین: تراکم، تنوع کاربری‌ها، اختلاط زمانی کاربری‌ها، نفوذپذیری، امنیت، دسترسی، کیفیت کالبدی و ... شناخت. اما آن‌چه اهمیت دارد نه تأثیر آماری این مؤلفه‌ها، بلکه چگونگی ارتباط آن‌ها در یک ساختار کلی می‌باشد که فضا را واجد رفتارهای اجتماعی می‌کند. پژوهش حاضر در تفصیل این مؤلفه‌ها رابطه ساختاری آن‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد. در نهایت با ارائه مدل مفهومی رابطه ساختاری این عوامل در یک کل منسجم ارائه می‌گردد.

واژه‌های کلیدی

فضای شهری، عرصه عمومی، اجتماع‌پذیری، تعاملات اجتماعی، ساختار تعامل‌پذیری

Abstract

The public grounds in city, as a place where interpersonal contacts occur, play a critical role in the citizens' social experiences. As a result, in defining and considering these public grounds as urban spaces, sociability can be mentioned as a key point. In fact, a public ground can be defined as an urban space proved that it includes the quality of sociability. Regarding the mentioned issue, the most fundamental point is significant contacts among people in the form of social interactions. It is necessary to learn about effective factors on intractability. Generally speaking, the effective factors on intractability in an urban space include: density, variety, and use, time interference of uses, permeability, security, access, skeletal quality and cognition. The most important thing is not the statistical effects of these traits, it is the quality of the relationships among the traits in a general structure though, granting social behaviors to the space. The present study was an attempt to describe the traits in terms of their structural relationship. Ultimately the structural relationship among the factors, as a coherent whole is presented by providing a conceptual model.

Keywords: urban space, public ground, sociability, social interactions, the structure of intractability



۱- مقدمه

تلاش‌هایی که در دوره مدرن برای زدودن چهره شهر از بیماری و افزایش کارآمدی آن انجام گرفت، به مثابه «زهکشی زندگی» از شهر یا «قطع شریان زندگی»، موجب دور افتادن از اهداف اولیه شد. هم‌زمان پدیده جهانی شدن و استانداردسازی، روح و شخصیت محیط شهری و حتی خود ما را به خطر انداخته است. ما آرزومند تجربه‌ای اصیل و منحصر به فرد همراه با فرصت‌های بیشتری برای آزادی هستیم. درست همان‌طور که شهروندان متقابلاً به یکدیگر وابسته‌اند، فعالیت‌های آن‌ها _ که در قالب فرم شهری بیان می‌شوند _ نیز به هم وابسته‌اند. شهرها تنها زمانی به پایداری می‌رسند که این وابستگی‌ها فرصت رشد و نمو داشته باشند... بر خلاف مدل‌های قبلی که حاکی از تمایل به کنترل و دستیابی به تکامل بودند، مدل‌های کنونی بر اهمیت اتصال و پویایی در راستای اصول کمال تأکید دارند. (سلطانی، ۱۳۹۱)

عناصر حاضر در بستر شهری خود را در ارتباط و پیوستگی با هم تعریف می‌کنند. رفتارهای شهری حاصل روابط ساختاری در یک کلیت منسجم می‌باشند. نکته مهم‌تر آن که بررسی عوامل مؤثر بر ارتقاء کیفی فضاهای عمومی و شکل‌گیری رفتارهای اجتماعی به صورت منفک از هم و اولویت‌بندی آن‌ها به صورت شاخص‌های جدا از هم راه به جایی نمی‌برد؛ بلکه رفتارهای شهری در نتیجه رابطه مؤثر بین این عوامل شکل می‌گیرد. در واقع آن‌چه که اهمیت دارد بعد اجتماعی فضاهای عمومی در بستر شهری می‌باشد. روابط بین فردی تحت قالب تعاملات اجتماعی از ابعاد مهم این فضاها شمرده می‌شود. لذا پژوهش حاضر سعی دارد در تبیین فضای شهری به عنوان بستر تعاملات اجتماعی به بسط مفاهیم و مؤلفه‌های مؤثر بر تعامل‌پذیری تحت مدل و ساختاری منسجم بپردازد.

۲- فضای شهری و عمومی به عنوان بستری برای برقراری تعاملات اجتماعی

انسان به عنوان مهم‌ترین عامل در پویایی فضاهای شهری نیازمند بستری مناسب جهت حضور مؤثر در فضاهای عمومی است. پاسخگویی به نیازهای اجتماعی انسان و تأمین فرصت‌های لازم در زمینه کسب تجارب اجتماعی وی، مستلزم وجود فضا و قرارگاه‌های کالبدی است و فضای عمومی ظرفیتی عظیم در پاسخ به این جنبه از حیات انسان در جوامع شهری محسوب می‌شود. (شجاعی و پرتوی، ۱۳۹۳: ۹۴) عملکردهای فضای شهری، دارای ابعاد گوناگونی می‌باشد و مکان‌های عمومی نتیجه عملکردهای انسانی با ابعاد اجتماعی و عمومی است. این عملکردهای انسانی دارای خصلت‌های چندبعدی هستند و ضرورتاً در فضا شکل می‌یابند. با این اعتبار فضای شهری، مکانی است برای جاری شدن رفتارهای مدنی_اجتماعی ناشی از رفتارها و مناسبات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موجود در بطن جامعه شهری و به سبب همین خصوصیت مکانی، جزء تجزیه‌ناپذیر ساخت فضای شهری محسوب می‌شود. (حبیبی، ۱۳۷۹: ۷) تعاملات اجتماعی به عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های فضاهای شهری در مطلوبیت این عرصه‌ها مطرح است و در محیط‌هایی از قبیل میدان، بلوار، بازار و ... شاهد آن هستیم که بستر شکل‌گیری این روابط و آمد و شدها می‌باشد. در واقع این فضاها در کنار عملکردهای اصلی، خود را به عنوان مرکز ارتباطات جمعی و فضای سکون تعریف می‌کنند.

سکونتگاه‌های شهری قبل از مدرنیسم فضاهای عمومی مانند میدان‌های شهری و بازارها به عنوان عرصه‌ای جهت ارتباطات اجتماعی بوده‌اند و در حقیقت مکان‌هایی متشکل از فعل و انفعالات اجتماعی تعداد زیادی از مردمانی که این تعاملات را امکان می‌ساختند قلمداد می‌شده‌اند. علاوه بر این، این فضاهای باز در ایجاد حس اعتماد و اطمینان به مردم کمک کرده و باعث افزایش حس همبستگی و تعلق در مردم می‌شوند. در حقیقت این فضاها فراتر از مکانی صرفاً برای حضور منفعلانه هستند. با تفکیک قائل شدن بین فضاهای عمومی و فضای شهری تنها آن دسته از فضاها که قابلیت وقوع تعامل و برقراری تعاملات اجتماعی را دارند در درجه‌ای بالاتر و به عنوان فضاهای شهری ارزیابی می‌کند. (احقر و رادفر، ۱۳۹۴: ۱۷)



می‌توان عمومیت فضا و نیز ویژگی برقراری تعاملات اجتماعی و زندگی عمومی در فضا را به عنوان پارامترهای اولیه و پایه تشخیص فضای شهری مدنظر قرار داد. (ماجدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۸۱) بنابراین شرط اساسی برای این که یک فضای عمومی، فضای شهری تلقی شود این است که در آن تعامل و تقابل اجتماعی صورت گیرد. پس آن دسته از نرم‌فضاها و سخت‌فضاها که بستر تعامل اجتماعی نیستند، فضای شهری نامیده نمی‌شوند. (پاکزاد، ۱۳۸۹)

تعاملات و برخوردهای اجتماعی را می‌توان به عنوان یکی از خصیصه‌های اصلی انسان قلمداد کرد. از طرفی انسان به عنوان موجودی اجتماعی، همواره خود را در ارتباط با دیگر انسان‌ها تعریف کرده است و نوع ارتباط وی و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری وی از این تعاملات ریشه در هویت و فرهنگ او داشته و همچنین مؤثر بر این مهم نیز می‌باشد. لذا یکی از خصایص ساختارهای شهری برآورده کردن نیاز اجتماعی افراد خواهد بود. (نگارنده) بشر همواره با ایجاد ساختارهایی در شهر، نیاز ذاتی خود به برقراری روابط اجتماعی را برآورده کرده، فضاهایی که از نظر اجتماعی فعال بوده و امکان ارتباطات چهره به چهره انسانی را در اجتماع شهر و در کالبدی سازمان یافته فراهم کند. ... فضای عمومی باید بتواند فرصت تعاملات اجتماعی را فراهم کرده و بدین ترتیب حس انسجام را ایجاد کند. (مدنی‌پور، ۱۳۸۷: ۱۶۶)

در این تعاملات مردم رابطه قوی‌تری با محیط و جامعه برقرار می‌کنند و حس تعلق خاطر و هویت جمعی در آن‌ها تقویت می‌شود و این امر با شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی و افزایش حس مشارکت جمعی همراه است. در فضای عمومی امکان ارتباط چهره به چهره، گفت و گو، معاشرت‌های دوستانه، گردهمایی‌های مختلف، شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و حس تعاون ایجاد می‌شود. انگیزه برای گردهمایی می‌تواند مختلف باشد از گفت‌وگوی صمیمی دو نفر گرفته تا مقیاس بزرگتر عمومی شامل رسوم‌ها، آیین‌ها، نمایش‌ها، جشن‌ها، رویدادهای ورزشی و (مدنی‌پور، ۱۳۸۷) کارهای عادی زندگی روزانه که انسان را در کنش متقابل چهره به چهره و کم و بیش دائمی با دیگران درگیر می‌کنند، قسمت اعظم فعالیت‌های اجتماعی او را تشکیل می‌دهند. در حیطه روابط اجتماعی است که فرد خود را نه تنها در مقابل افراد دیگر، بلکه در سیطره روابط میان این افراد می‌آزماید و دائماً در تعامل با دیگران است که توانایی‌های خود را می‌شناسد، به خلق معانی می‌پردازد و هویت خود را می‌سازد. (احقر و رادفر، ۱۳۹۴)

ذکر این نکته نیز ضروری است که هر برخوردی در شهر یا عرصه معماری به عنوان تعامل تعریف نمی‌گردد. تعامل اجتماعی به معنای ایجاد رابطه بین دو نفر یا بیشتر است که منجر به واکنشی میان آن‌ها شود و این نوع واکنش برای هر دو طرف شناخته شده است. بنابراین روابط بدون معنا در زمره این تعریف قرار نمی‌گیرد. البته تعاریف دیگری نیز برای تعاملات اجتماعی وجود دارد. به عنوان نمونه، تعامل اجتماعی و برقراری ارتباط، می‌تواند یک موضوع فیزیکی، یک نگاه، یک مکالمه و ارتباط بین افراد باشد که خود مستلزم تعریف رویدادها و فعالیت‌های متناسب و در نتیجه نقش‌پذیری مردم در فضا و عضویت آن‌ها در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی است. (بهزادفر و طهماسبی، ۱۳۹۲: ۱۸) صحبت کردن شایع‌ترین نوع از تعامل اجتماعی است، کار با هم، بازی شطرنج، غذا خوردن بر سر یک میز، تعارف یک فنجان آب نیز تعامل محسوب می‌شود. به طور کلی، هر توالی پویا از فعالیت‌های اجتماعی بین افراد (یا گروه‌ها) که کنش‌ها و واکنش‌های خود را بر اساس ارتباط متقابل با افراد مقابلشان تنظیم می‌کنند تعامل اجتماعی می‌باشد. (همان) تعاملات همسایه‌ها می‌تواند رفتارهای اجتماعی انجام شده توسط ساکنین محله تعریف شود. این تعاملات می‌تواند رسمی و باقاعده و گاه بیگانه و غیر رسمی و اتفاقی رخ دهد. نیاز برای تعامل با دیگران یک امر طبیعی و ضروری برای یک زندگی سالم است. (غفوریان و حصاری، ۱۳۹۳)

آنچه اهمیت می‌یابد مطالعه عوامل مؤثر و سازوکار فضاهای شهری تحت فرآیندی است که به شکل‌گیری ارتباطات اجتماعی در بستر شهری و در نتیجه پویایی فضائی منجر می‌گردد. از این حیث ابتدا به بررسی کلی طیفی از پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه می‌پردازیم. در ادامه با بررسی سازوکارها و توجه به فرآیندهای شکل‌گیری رفتار در بستر شهری به تفصیل به شکل‌گیری رفتارها و کنش‌های اجتماعی در معماری‌های شهری و پویایی بستر ایستگاه مترو خواهیم پرداخت.



۳- بررسی عوامل مؤثر در شکل‌گیری تعاملات اجتماعی

پیش‌تر شرط اساسی را برای آن که یک عرصه به عنوان فضای شهری فرض شود وقوع تعاملات اجتماعی ذکر گردید. در این جا می‌خواهیم عوامل مؤثر بر برقراری تعاملات و اجتماع‌پذیری را در فضای شهری مورد توجه قرار دهیم. مطالعات صورت پذیرفته در باب تعامل‌پذیری، مؤلفه‌هایی از قبیل: دسترسی، امنیت، هویت مکانی، آسایش روانی و فیزیکی فضا، دعوت‌کنندگی، جذابیت، شفافیت و نفوذپذیری را از جمله عوامل مؤثر بر اجتماع‌پذیری و برقراری تعامل می‌دانند. پژوهش‌های صورت گرفته عموماً تأثیر آماری هریک از این مؤلفه‌ها را در زمینه‌های مختلف مورد بررسی قرار می‌دهند. توجه به این عوامل به عنوان مؤلفه‌های تأثیرگذار بر پویایی فضاهای شهری قطعاً واجد اهمیت است. اما آن چه عموماً مورد غفلت واقع می‌شود سازوکار و فرایندی است که ارتباط این عوامل به تعامل‌پذیری یک بستر شهری منجر می‌شود. از طرفی میزان اهمیت و هم‌چنین تعمیم‌پذیری هریک از این عوامل مسأله‌ای است که در هر زمینه می‌تواند متفاوت باشد و تعمیم آن به عرصه‌هایی دیگر نیازمند توجه به ساختار و شاکله کلی زمینه حاضر است.

شهر بزرگ را نه می‌توانیم به دو متغیر ساده کنیم، نه می‌توانیم عناصر شهری را متغیرهای مستقل بدانیم که علم آمار و احتمالات در آن کاربرد داشته باشد. صورت [فرم] امور با نحوه کار آن‌ها پیوندی ناگسستنی دارد. این پیوند در هیچ‌جایی بیشتر از شهرها مشهود نیست. اما کسانی که تنها به "بایدهای" صورت شهر علاقه‌مندند، به چگونگی کارکرد آن علاقه‌ای نشان نمی‌دهند ... جست‌وجوی صورت اشیا به مثابه هدف اولیه یا نمایش اصلی، موجد چیزی به غیر از مشکل نیست. (پارسی و افلاطونی، ۱۳۹۶: ۱۴) فرآیندها در زندگی واقعی، بیش از آن پیچیده‌اند که ساده شوند و بیش از آن جزئی‌اند که هم‌چون تجرید به کار گرفته شوند. آنها همواره کنش‌های متقابل، میان پیوندهای عناصر جزئی به دست می‌آیند و جانشینی برای شناخت این عناصر جزئی فراوان وجود ندارد. (پارسی و افلاطونی، ۱۳۹۶: ۲۷) جست‌وجوی سرخ‌های "غیر متوسط" برای آموختن این موضوع که چیزها چگونه کار می‌کنند مهم‌اند. مطالعات آماری، متوسط‌ها و میانه‌ها تمام این سرخ‌ها را از بین می‌برند. باید در جست‌وجوی هر آن چیزی باشید که استثناء بر قاعده است. غیرمتوسط، می‌تواند فیزیکی باشد مانند نشانه‌های بصری؛ می‌تواند نسبتاً کوچک باشد. (همان: ۲۷)

لذا آن چه اهمیت می‌یابد توجه به نقطه‌اتصالات و پیوندهایی است که کمیت‌ها و متغیرهای مختلف در یک کلیت منسجم کارکردهای شهری و معماری را شکل می‌دهند. لذا در تفصیل عوامل مؤثر سعی بر آن خواهد بود تا ارتباط متقابل هر یک از عوامل نسبت به هم و نسبت به کل مورد بررسی قرار بگیرد و در نهایت تحت ارائه مدلی مفهومی ساز و کار آن تبیین گردد. در ادامه مطالعات صورت گرفته، عواملی از قبیل: تراکم، کیفیت کالبدی، امنیت، نفوذپذیری، دسترسی و تنوع را می‌توان نام برد و در توضیح و تفصیل هریک، ارتباط آن‌ها و نسبتی که کل و شاکله ساختاری فضا دارند مورد توجه قرار می‌گیرد. اولین عامل به عنوان شرط اولیه، تراکم خواهد بود.

۳-۱- تأثیر تراکم جمعیت در تعامل‌پذیری

مهم‌ترین چیزی که افراد را به خود جذب می‌نماید، وجود افراد دیگر است. اگر روی این نکته تأکید می‌شود، به دلیل آن است که بسیاری از فضاهای شهری به گونه‌ای خلق شده‌اند که خلاف این واقعیت صحیح عمل می‌کنند و انگار مردم مکان‌هایی را می‌خواهند که از افراد دیگر دور و مجزا باشند. نکته جالب اینکه مردم اغلب در تأیید جدایی‌گزینی به صحبت می‌پردازند و به همین دلیل واکنش‌های ایشان به پرسشنامه‌ها می‌تواند گمراه‌کننده باشد. تعداد بسیار اندکی از مردم اظهار تمایل می‌کنند که در مرکز یک جمعیت متراکم بنشینند، و در عوض آن‌ها همواره از واژه‌هایی همچون فرار از شلوغی، هرج‌ومرج و جایی برای آرامش صحبت می‌کنند؛ اما واقعیت آن است که آن چه ایشان انجام می‌دهند گویایی ترجیحات و اولویت‌های

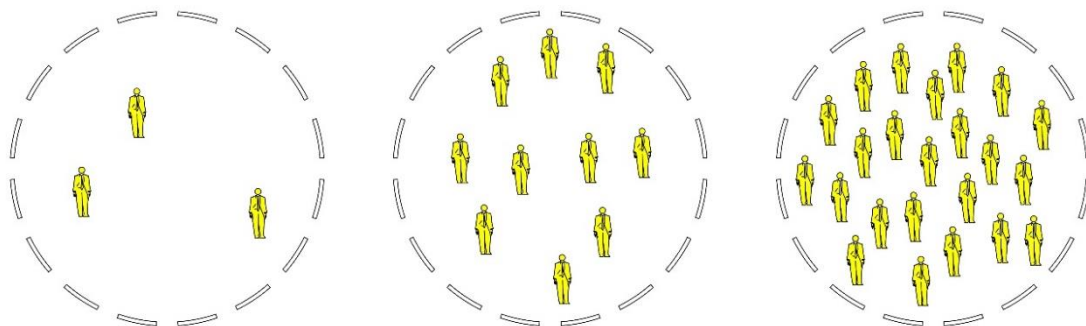


متفاوتی است. (whyte,1980)

برنامه‌ریزان شهری عموماً تراکم بالا را به عنوان نکته‌ای منفی در بستر شهر قلمداد می‌کنند که وجود جمعیت زیاد را دخیل در دسته اندک افراد به امکانات می‌دانند و به فراخور آن افزایش نسبت جمعیت به سطح را به عنوان مسأله شلوغی عامل ناهنجاری قلمداد می‌کنند. اما باید توجه داشت که نبود جمعیت و به تبع آن "خلوت"، بستر شهری را از پویایی‌ها ساقط کرده و عموماً فضاهای خلوت به جهت نبود خودکنترلی و نیز عدم توان نظام‌های کنترل، مستعد جنایت خواهد بود. (نگارنده) یکی از دلایلی که تراکم‌های کم شهری، بدون آن که واقعیت‌ها مؤید آن باشند از شهرت خوب برخوردارند و تراکم‌های بالا، آن هم بدون توجیه، از شهرت بدی بهره‌مندند، این است که اغلب تراکم‌های بالا با ازدحام اشتباه گرفته می‌شوند. تراکم بالا به معنی تعداد زیاد سکونتگاه‌ها در هر آکر زمین است. ازدحام به معنی وجود بیش از حد مردم در یک عرصه به نسبت [مساحت] موجود است. (پارسی و افلاطونی، ۱۳۸۸) در صورت کلی تراکم از دو جهت حائز توجه است. تراکم را می‌توان در بستر شهر در نظر داشت و نیز تراکم را در فضای معماری مورد توجه و بررسی قرار داد. هم‌چنان که ذکر گردید ازدحام برعکس تراکم، عاملی منفی در مطلوبیت فضایی محسوب می‌گردد این مسأله هم در فضای معماری صادق می‌باشد و هم در شهر.

ازدحام شهری به جز شلوغی و هرج و مرج نخواهد بود و ازدحام به نسبت مقیاس معماری، یعنی استفاده نامتوازن از امکانات و تسهیلات معماری به نحوی که کمبود آن نسبت به جمعیت قابل ملاحظه است. تراکم بالا در زمینه شهری عاملی مهم برای حضور تراکم در معماری حاضر خواهد بود. در زمینه و مقیاس شهری می‌توان محلاتی را با تراکم بالا و ازدحام پایین یا بالعکس (تراکم پایین و ازدحام بالا) نام برد. (شکل ۱) وجود ساختمان‌هایی با تعداد طبقات در یک محله می‌تواند تراکم بالا را در خود جای دهد به نحوی که تقسیم مساحت به نسبت هر فرد به گونه‌ای باشد که نشانی از ازدحام در آن به چشم نخورد. در محله‌ای با تراکم پایین نیز ممکن است شاهد ازدحامی بالا باشیم. (شکل ۲)

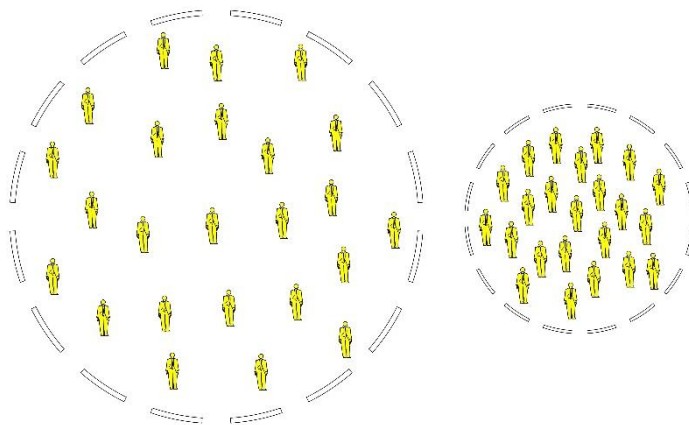
ازدحام، تقریباً همواره نشانه فقر یا مورد تبعیض واقع شدن است، و بی شک یکی از مصیبت‌های آزار دهنده و دلسرد کننده فقر بسیار یا قربانی تبعیضات اقامتی بودن یا هر دو آنهاست. در واقع ازدحام در تراکم‌های پایین می‌تواند مایوس کننده تر و مخرب تر از ازدحام در تراکم‌های بالا باشد. زیرا در تراکم‌های پایین زندگی عمومی کمتری به مثابه تغییر جهت و گریز، هم‌چنین به عنوان راهی برای جنگ سیاسی علیه بی عدالتی و غفلت وجود دارد. همه از ازدحام نفرت دارند و آن کسانی که مجبور به تحمل هستند بیش تر از آن متنفرند. هیچ کسی به انتخاب خود ازدحام را بر نمی‌گزیند. اما مردم اغلب به انتخاب خود در محلات با تراکم بالا زندگی می‌کنند. (پارسی و افلاطونی، ۱۳۸۸) تراکم بالا عاملی برای حضور در معماری مورد نظر و هم‌چنین ارزش افزوده‌ای برای تجارت است.



شکل ۱: از راست به چپ: ازدحام، تراکم اندازه، خلوت. (منبع: نگارنده)



به طور کلی تراکم عاملی سودمند در منطق تجارت است. شهرها به موازات افزایش تراکم جمعیت توسعه می‌یابند، چرا که همان‌گونه که آلوین تافلر در سال ۱۹۷۰ در شوک آینده پیش‌بینی کرده، دستیابی به سطح بالاتری از فناوری‌ها، الزام به تماس‌ها و روابط بیش‌تر را در پی دارد. ما کماکان به ارتباطات انسانی فیزیکی از قبیل گفتمان رو در رو یا ارسال یادداشت‌های دستی، پست عادی و سنتی نیاز داریم. (سلطانی، ۱۳۹۱: ۷۸) ارتباط مستقیم و مؤثر تراکم با تنوع کاربری‌ها نکته‌ای حائز توجه است. وجود تراکم مزیتی اساسی برای کاربری‌هایی تلقی می‌گردد که در عرصه شهری یا محله در حال فعالیت می‌باشند. نبود تراکم به مرور زمان بقای این طیف از کاربری‌ها را تهدید خواهد کرد. در واقع استمرار حضور کاربری‌ها در یک عرصه شهری بسته به حضور جمعیت دارد. کاربری‌های حاضر قادر به تأمین هزینه‌های بالاسری به واسطه حضور جمعیت خواهند بود. همچنین هر کاربری به جز آن‌که از تراکم حاضر تغذیه می‌کند، خود مخاطب خود را واجد است که به عنوان عنصری جاذب برای اجتماع‌پذیری فضا تلقی می‌گردد. لذا وجود تراکم بر خلاف انگاره برنامه‌ریزی شهری، نه تنها دلیل بر نامطلوب بودن نیست، بلکه هم‌چنان که اشاره شد به نوعی حضور افراد دیگر را نیز به همراه دارد. مسأله امنیت و هم‌چنین وجود فعالیت‌ها ارتباطی تنگاتنگ با این مهم دارند که در ادامه به صورت تفصیلی مورد بررسی قرار می‌گیرد. وجود تراکم هم‌چنین حضور طیف متنوعی از جمعیت‌ها را نیز در پی دارد.



شکل ۲: تراکم و ازدحام با جمعیتی یکسان. (منبع: نگارنده)

۳-۲- تراکم و تنوع جمعیتی در فضاهای تعامل‌پذیر

نحوه حضور فرد در مکان به همراه سایرین عاملی قوی در تصمیم فرد برای ماندن در آن است. در این راستا حتی ممکن است افراد در جست‌وجوی مکان‌هایی که در آن افرادی با خصوصیات مشابه آن‌ها به لحاظ طبقه، قوم، مذهب، گروه اقتصادی، الگوی زندگی، تحصیلات، درآمد، نحوه تربیت کودکان و نژاد مشابه حضور دارند بشناسند؛ اما با آن‌که همگن بودن افراد مشوق ملاقات و افزایش تعامل با مکان‌های فیزیک و اجتماعی و در نتیجه ارتقای دل‌بستگی به آن مکان است. در عین حال مکان‌های اجتماعی غنی و آزاد را تجربه کنند. در واقع فضاهای عمومی با دارا بودن ظرفیت‌های بالقوه در مرحله نخست این فرصت برابر را جهت ایجاد و برقراری کنش‌های اجتماعی در اختیار کلیه شهروندان قرار می‌دهند. در مرحله بعد پس از انعقاد اولیه تعامل اجتماعی تفاوت‌های موجود در سطوح اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که پدیدآورنده الگوهای رفتار متنوع است، خود زمینه‌ساز ایجاد روابط اجتماعی منسجم و پایدار خواهند شد. (احقر و رادفر، ۱۳۹۴: ۱۸)

حضور جمعیتی با تنوع بر پویایی فضا افزوده و ارتباط بین نسلی و بین فرهنگی معنادار را موجب می‌گردد. علاوه بر آن تنوع جمعیت با تنوعی از نیاز، تنوعی از کاربری‌ها را به همراه خواهد داشت. وجود تراکم و حضور طیف متنوعی از جمعیت



را می‌توان ارزش افزوده‌ای برای کاربری‌ها و فعالیت‌هایی دانست که زندگی و دوام آن‌ها گره خورده است به عامل مذکور.

۳-۲- تأثیر تنوع کاربری‌ها در تعامل‌پذیری فضای شهری

ادیات حاکم بر مطالعات انسان و محیط نشان می‌دهد که مطالعه فضای کالبدی مستلزم ملاحظه فعالیت‌ها در آن است. (barker, 1968) رویدادهای اجتماعی، نوع فعالیت‌ها و کاربری‌های موجود درون فضا و توان آن‌ها در جذب افراد و گروه‌های مختلف، مهم‌ترین عامل در پویایی فضاهای عمومی و فعال بودن آن در ساعات و فصول مختلف است. (دانش‌پور و چرخچیان، ۱۳۸۶) از سویی دیگر بعد فعالیت‌های فضاهای کاربری‌های پیرامون خود نیز مرتبط است. این‌گونه فعالیت‌ها و بسیاری از خصوصیات فعالیت‌های کالبدی دیگر به فضاهای عمومی تشخیص بخشیده، بر تأمین آسایش و امکان لذت بردن مردم از حضور در فضا تأثیرگذار است. (کربلایی و همکاران، ۱۳۹۵) مطالعات نشان می‌دهند فضاهای عمومی که مردم در آن قادر به اشتغال به محیط با نگاه کردن به سایرین، نشستن، غذا خوردن، فعالیت‌های خرده‌فروشی، فعالیت‌های ورزشی، اتفاقات دنج و یا به تعبیری تفریح فعال و غیرفعال باشند، برای مردم جذابیت بیشتری دارند. (دانش‌پور و چرخچیان، ۱۳۸۶) همچنین تحقیقات نشان می‌دهد رابطه‌ای مستقیم بین فضاهای چندعملکردی و تعامل اجتماعی وجود دارد. (Farida, 2013)

در شهرها تنوع شهری بیش‌تر به مفهوم اختلاط تعداد بیش‌تری از گروه‌های مختلف مردمی سازمان‌های خصوصی است که دیدگاه‌ها و اهداف کاملاً متفاوتی دارند و خارج از حوزه عمومی به طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی می‌پردازند. (سلطانی، ۱۳۹۱: ۳۳) این نکته مهم را باید به خاطر داشت. تنوع شهری، تنوع بیشتر را اجازه داده و آن را بر می‌انگیزد. (پارسی و افلاطونی، ۱۳۸۸: ۱۵۳) تنوع بیش‌تر به مفهوم اختلاط تعداد بیش‌تری از گروه‌های مختلف مردمی و سازمان‌های خصوصی است که دیدگاه‌ها و اهداف کاملاً متفاوتی دارند و خارج از چارچوب‌های حوزه عمومی به طرح‌ریزی برنامه‌ریزی می‌پردازند. (سلطانی، ۱۳۹۱: ۳۳)

خلق تنوع در شهرها بر این واقعیت استوار است که در شهرها مردمی با سلیقه‌ها، مهارت‌ها، نیازها و عرضه‌های بسیار گوناگون، مانند زنبوران یک کندو، در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند. حتی کارهای بسیار استاندارد اما کوچک و تک فروشنده‌ای مانند فروشگاه‌های ابزار، دراگ استورها، آب‌نبات‌فروشی‌ها و بارها که توسط صاحبان خود اداره می‌شوند، می‌توانند بخش‌های سرزنده شهرها در تعداد رونق داشته باشند و دارند؛ زیرا مردم کافی برای حمایت از حضور آن‌ها در وقفه‌های کوتاه و مناسب وجود دارد. این کیفیت شغلی و مناسب به نوبه خود بخش بزرگ موجود این کسب و کارها در تجارت‌اند و هنگامی که در وقفه‌های نزدیک و مناسب مورد حمایت قرار نگیرند، این مزیت را از دست خواهند داد. (پارسی - افلاطونی، ۱۳۸۸: ۱۵۶)

حضور تنوع ارتباط تنگاتنگی با تراکم حاضر دارد. تراکم علاوه بر آن که مزیتی برای تنوع تلقی می‌گردد، خود عاملی برای پویایی و سرزندگی نیز هست. همان‌طور که ذکر گردید، مردم علاقه‌مند به حضور در فضاهایی هستند که فعالیت‌ها و کاربری‌های حاضر در آن موجب سرزندگی و نشاط فضایی می‌شوند. طیفی از کاربری‌ها نیز حسب نیازی که تأمین می‌کنند جمعیتی را به خود جذب خواهند نمود. به جز این جمعیتی که به ازای هر کاربری حضور دارد، می‌تواند به عنوان ارزش افزوده‌ای برای کاربری دیگر تلقی گردد.

غالب استفاده تنوع مستقیم یا غیر مستقیم با حضور غنی، مناسب و متنوع تجارت شهر بستگی دارند. اما بیش از این‌ها هر جا که منطقه‌ای شهری با تنوع بارور و غنی در تجارت را می‌یابیم، در خواهیم یافت که شامل انواع بسیار دیگری از تنوع شامل فرصت‌های تنوع فرهنگی، تنوع صحنه‌ها و تنوع بسیار در جمعیت و استفاده‌کنندگان دیگر خود نیز هست. این تصادفی نیست. شرایط فیزیکی و اقتصادی که تنوع تجاری را می‌آفریند بسیار به تولید یا حضور سایر انواع تنوع شهری مرتبط است. (پارسی - افلاطونی، ۱۳۸۸) این در حالی است که نگاه مبتنی بر منطق همسان ساز، پیوسته سعی بر انفصال پدیده‌ها و تنوع در بسترهای حاضر پیرامون ساخت‌های خود دارد. حال آنکه انقطاع نیروهای حاضر در بستر زمینه در قالب تنوع کاربری



و حتی تنوع های فرهنگی، عموماً به فروپاشی های اجتماعی و شهری و حتی فرهنگی منجر می گردد. اما لازم به توضیح است که اختلاط و تنوع در هر صورتی واجد ارزش نیست. اختلاط کاربری ها بایستی در قالب برنامه‌ای از پیش فکر شده خود را سامان دهد. در واقع نکته مهم دیگر اختلاط زمانی کاربری‌ها به نحوی است که مانع از خلوت یا ازدحام بستر مورد نظر در ساعاتی خاص گردد.

۳-۳- اختلاط کاربری‌ها از نظر زمانی

نظم همگون ساز و جدا کننده همزمانی تراکم را از بین می برد و به تبع آن، تنوع از زمینه ساقط می‌شود. انفصال و انقطاع تنوع ها، به دنبال خود انفصال زمانی را نیز در پی دارد. همین موضوع، با وجود تراکم پایین به ازدحام بالا و همچنین میزان خلوت بالا منجر می شود. هر یک از کاربری ها به فراخور ماهیت خود، در حدودی از زمان کارایی و استفاده خود را دارا هستند. برای مثال، فضاهای اداری از ساعت ۸ صبح تا ۴ بعد از ظهر پاسخ گوی ارباب رجوع خواهد بود و فضای مسکونی معمولاً بعد از ساعات کاری جمعیت بیشتری را متوجه خود می‌کند. جدا بودن این دو محدوده، در یک سطح ثابت، تراکم جمعیت را تبدیل به ازدحام جمعیت در ساعت ۸ تا ۴ کرده و در همین برهه زمانی، محدوده های مسکونی با خلوت حاکم دست و پنجه نرم می کنند. همین طور همین فرایند به صورت برعکس نیز صادق است. ازدحام بخش های مسکونی در ساعات شبانه با تراکم بالا و خلوت بخش‌های مربوط به ساختمان‌های اداری.

ممکن است فردی چنین استدلال کند که همزمانی فضای مسکونی و اداری، آرامش فضای مسکونی را در ساعات صبح بر هم می زند. قطعاً چنین موضوعاتی نیز قابل توجه می نماید، دقیقاً به خاطر همین است که تأکید بر توجه به ساختارها و فرایندها و چگونگی اتصال پدیدارها در بستر شهری است. در واقع در هر بستر ملزم به توجه به نقاط کلیدی حاضر در آن زمینه هستیم. از این رو تفکر مؤلفه ساز، از حیث توجه به صورت مؤلفه‌ها، "چگونگی مؤلفه ها" کمتر در منطق این چینی موضوعیت می‌یابد. «ما باید به تراکم همان گونه بنگریم که به کالری ها و ویتامین ها نگاه می کنیم. میزان مناسب به علت چگونگی عملکرد، مناسب است و در هر مورد خاص، مناسب متفاوت است». (پارسی و افلاطونی، ۱۳۸۸)

با افزایش تصاعدی در اقدامات رشد هوشمند در ایالات متحده از سال ۱۹۹۸ تاکنون، نیروی گریز از مرکز توسعه شهری، روند کاهنده ای را نشان داده است. علاوه بر آن، همان گونه که لاری کی‌یر روزنامه نگار و طراح اشاره می کند، شهرهای متراکم قدیمی، اکنون به عنوان نمونه ای جدید برای پایداری محیطی مطرح شده اند چرا که ساکنان خود را با صرفه جویی در فضا، منابع طبیعی و انرژی وفق می‌دادند. مطالعات اخیر نشان می‌دهد که نیویورک از نظر سرانه انرژی کم‌مصرف‌ترین ایالت آمریکا است. در سال ۱۹۸۹، هر شهروند نیویورکی کمتر از دو سوم متوسط انرژی مصرفی توسط یک آمریکائی را مصرف نموده است. در حالی که شهرها طی مدت‌های مدیدی الهه انتقام از اکولوژی زنده بوده‌اند. حال به نظر می‌رسد شهر می‌تواند در قالب پایدارترین الگوی سکونت انسان ظاهر شود. (سلطانی ۱۳۹۱: ۷۹)

توجه به مسأله زمان در پراکنده کردن پدیده‌ها در بستر سطح با لحاظ جوانب حاضر و نحوه هم نشینی فضاها و تنوع‌ها در کنار هم، به نوعی از سطحی با مساحت ثابت استفاده‌ای معقولانه می‌کند. یعنی از تمرکز جمعیت در محدوده‌های منقطع از هم جلوگیری کرده و با پخش کاربری‌ها می‌توان هم دسترسی و نزدیکی کاربری‌های در ارتباط با هم را میسر ساخت (این ارتباط می‌تواند بین کاربری‌هایی متفاوت و متضاد از هم باشد) و هم با کاهش میزان سفر از حومه ها به مرکز، شهر را واجد صورتی پایدار نمود. همین موضوع می‌تواند متوجه معماری نیز باشد. معماری می‌تواند از حیث هم نشینی پدیده‌های شهری در کنار هم، تحت فضاهایی تازه، تعاریف و موضوعیت تازه‌ای را واجد گردد که از حیث تعریف مجدد در ماهیت آن، این هم‌نشینی پدیدار گردد. یعنی همین تنوع، می‌تواند متکی بر بازتعریف موضوع فضا، به فراخور موضوعیت تازه‌ای که می‌یابد، اتصال تنوع‌های متضاد را امکان‌پذیر سازد.

از طرفی اختلاط زمانی و مکانی کاربری‌ها از ازدحام و خلوت فضا کاسته و تراکم را در حد معقول موجب می‌گردد. ازدحام



و خلوت را از عوامل ناامنی در فضاهای شهری نیز می‌توان به شمار آورد. مسئله‌ای که حائز توجه ویژه‌ای است موضوع امنیت شهری است. امنیت را یکی از شروط اساسی برای حضور جمعیت در بستر شهری می‌توان قلمداد کرد. از طرفی خود جمعیت و تراکم حاضر در یک عرصه، به نوعی چشمان ناظر در عرصه حاضر قلمداد می‌شود که به امنیت بیشتر آن عرصه منجر می‌شود. در این‌جا لازم است تا نقش امنیت را در تعامل‌پذیری فضاهای شهری بررسی نماییم.

۳-۴- نقش امنیت در اجتماع‌پذیری و ارتباط آن با مؤلفه‌های مؤثر بر تعامل

امنیت رکن اساسی در توسعه شهری است. نظام بخشی در مناسبات محله‌ای و سازمان‌دهی امکانات جهت بهره‌گیری جمعی برای استفاده‌کنندگان نیازمند تأمین امنیت درونی محله‌های شهری است. مراد از امنیت اجتماعی این است که هر فردی در محل زندگی خود و اجتماع محلی احساس آرامش و آسایش کند و با اطمینان خاطر و به دور از نگرانی مشغول زندگی خود باشد. وجود امنیت در محله موجب حفظ حریم زندگی خانوادگی و رهایی از خطرات و تهدیدهایی است که ساکنان محلات را تهدید می‌کند و زمینه برخورداری از فرصت‌ها و امکانات محله‌ای را به شکل منطقی و صحیح را فراهم می‌کند. (احقر و رادفر، ۱۳۹۴: ۱۹)

نیاز انسان به امنیت روانی و فیزیکی نیز یکی از نیازهای پایه انسان در رابطه با فضا است که خود دارای ابعاد مختلفی چون موارد زیر است:

- رؤیت‌پذیری فضا که با وجود فعالیت‌های مختلف و رویدادهای برنامه‌ریزی شده با هدف افزایش و تداوم حضور مردم در فضا، نفوذپذیری بصری، خوانایی، وضوح فضا قابل تأمین است.
 - امکان ادراک محیطی و دستیابی به کمک نورپردازی مناسب، خطوط دید آزاد، حذف مناطق ناامن و وجود علائم و نشانه‌هایی که به درک موقعیت افراد درون فضا کمک می‌کند.
 - تصور مکان و ارزش‌های زیبایی‌شناسانه مکان، نشانه‌گذاری مکان و وجود کیفیاتی که مانع از گمراه شدن در فضا می‌گردد.
 - کنترل مکان با استفاده از اشکال مختلف مکانیکی (بوسیله دوربین، دروازه و ...) طبیعی (تعریف فضا و قلمرو) و سازمانی (پلیس، نگهبان و ...). (دانشپور و چرخچیان، ۱۳۸۶: ۲۲)
- در واقع بخشی از امنیت به صورت کالبدی فضا مرتبط است، بخشی از آن به واسطه حضور فعالیت‌ها و جمعیت که فضا را واجد خودکنترلی می‌کند و بخش دیگر بر کنترل مکان. بخشی از امنیت به کالبد بنا مرتبط است که در بالا به آن اشاره شد. اما بخش دیگر تحت تأثیر تنوع و تراکم حاضر در فضا است که به خودکنترلی موجب می‌شود. برای درک ساز و کار امنیت در شهر و فضای شهری می‌توان عنصری به نام بزرگراه کراس برانکس را به عنوان نمادی از ناکامی‌های شهری در قلب محله برانکس مطالعه کرد.

از میان تصاویر و نمادهای بسیاری که در نیویورک به فرهنگ مدرن اعطا کرده است، یکی از بارزترین آن‌ها در سال‌های اخیر، تصویری از ویرانی و تبااهی مدرن است. محله برونکس، به لقب یا اسم رمزی بین‌المللی برای جمع کابوس‌هلی شهری تراکم یافته بدل گشته است: مواد مخدر، گانگستریسم، حریق عمدی، قتل، سوء قصد، هزاران ساختمان متروکه و محلاتی که به زباله‌دان و برهوت انباشته آجرپاره بدل گشته‌اند. صدها هزار راننده هرروز هنگام عبور از آزادراه کراس_برونکس، که درست از مرکز این منطقه می‌گذرد، عاجزند. سرعت ماشین‌ها در این جاده، به رغم ترافیک سنگین شبانه‌روزی‌اش، بالا، به طرز مهلکی بالاست. رانندگان منظم‌اً حتی در پیچ‌های خطرناک و مسیرهای فرعی ورودی و خروجی، از حداکثر سرعت مجاز تجاوز می‌کنند؛ سراسر مسیر آزادراه همیشه پر است از کاروان‌های کامیون‌های سنگین با راننده‌های اخمو و تندخو و متجاوز؛



ماشین‌های سواری مدام از لابه‌لای کامیون‌ها سبقت می‌گیرند: گویی در این جاده میلی حاد و مهارناپذیر بر همگان حاکم می‌شود تا با حداکثر سرعت ممکن از برونکس خارج شوند. ده دقیقه رانندگی در این جاده که فی‌نفسه برای هرکس کار شاقی است، مشخصاً برای کسانی که گذشته برونکس را به یاد دارند، تجربه هولناکی است. (فرهادپور، ۱۳۸۶: ۳۵۵)

حضور یک بزرگراه، به عنوان یک مرز، هم‌نشینی یک سری نیروهای متنوع در بستر منطقه را مخدوش می‌کند و بخشی از این اتفاق از طریق حذف پیاده از بستر پیرامون بزرگراه در میان دو محله صورت می‌پذیرد. پیاده از بستر محله حذف می‌گردد، به دنبال آن یک سری مغازه‌ها و کاربری‌ها که زندگی آن‌ها منوط به حضور پیاده بود، دچار رکود می‌گردد. این رکود منجر به عدم توان این تنوع‌ها در مدیریت هزینه‌های بالاسری برای اداره آن می‌شود، فلذا در این‌جا حذف پیاده و از بین رفتن برخی تنوع‌ها را در بستر محله شاهد هستیم. حضور تنوع به جز این که یک تنوعی از پیاده را موجب می‌گردید، حال حذف یک کاربری از جهت حذف یک سری پیاده مربوط به آن کاربری است که یک مغازه با کاربری دیگر می‌توانست از حضور آن استفاده کند. حذف این تنوع جمعیت و هم‌چنین تنوع کاربری‌ها که هم‌نشینی مناسبی را در طی زمان شکل داده بودند، حضور چشم‌ها را به عنوان ناظران منطقه به شدت کمرنگ می‌کند. این بستر خلوت از حضور چشم‌ها، زمینه را برای بروز ناامنی‌ها مهیا می‌کند. منطقه مستعد ناامنی می‌گردد.

وجود ناامنی سایر تنوع‌ها را مجاب به ترک بستر منطقه می‌کند و ناامنی شدت می‌یابد. اما آیا بزرگراه به خودی خود منجر به چنین فاجعه‌ای می‌گردد؟ ابدأ نگارنده چنین مقصودی ندارد. این مسأله در ابتدا ما را متوجه موضوع مهمی می‌کند. به عینه شاهد آن هستیم که چطور یک سری اجزا و اتفاقات، تنه به تنه هم در یک شاکله‌ی کلی همدیگر را پشتیبانی می‌کنند و جوانب مختلف آن می‌توانند بر هم تأثیرگذار و تأثیرپذیر باشد. در این‌جا شاهد آن هستیم که فرایند علت و معلولی نمی‌تواند کارساز باشد یا حتی در مواردی تأثیر مثبت آن از حیث ماهیت فرایند، تأثیری سطحی و باسمله‌ای است. در این‌جا شاهد فرایندی از ساز و کار روابط در بستر منطقه و بزرگراه هستیم که به عینه حضور خود را به ما گوشزد می‌کند. این فرایند، ساختار منطقه را در ارتباط با اجزای آن و در ارتباط با بزرگراه شکل می‌دهد. این فرایند ما را متوجه این مهم می‌کند که مؤلفه‌های خشک و پارامترهای خطی نمی‌توانند به یک پدیده کارساز تبدیل شوند. مسأله دیگر که به واسطه حضور بزرگراه پدید می‌آید کالبد آن است، به نحوی که نبود شفافیت بصری و وجود نقاط دور از دید آن را مکانی ناامن می‌سازد این مفاهیم خود را تحت عنوان نفوذپذیری تعریف می‌کنند.

۳-۵- نفوذپذیری و نقش آن در اجتماع‌پذیری معماری

یک عنصر کلیدی در مورد قلمروی عمومی، قابلیت نفوذپذیری و دسترسی است. این ماهیت نوعی قدرت از طریق کنترل فضا و دسترسی به آن می‌باشد. نیروهای مختلفی در جامعه به صورت هدفمند قابلیت دسترسی را برای کنترل محیط‌های ویژه و اغلب برای محافظت از سرمایه‌گذاری‌ها کاهش می‌دهند. (تیبالدز، ۱۳۸۵) نفوذپذیری فضا با توجه به این که امکان اجتناب از جرم با فعالیت‌های نامطلوب را به ویژه در زنان و کودکان فراهم می‌کند می‌تواند تأمین‌کننده امنیت و به تبع آن از مؤلفه‌های اجتماع‌پذیری فضا گردد. (حمه‌جانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۸) فقط فضاهایی که برای مردم قابل دسترسی باشند به مردم آن‌ها حق انتخاب می‌دهند. بنابراین حدی از قدرت انتخاب، یک معرف کلیدی جهت ارزیابی پاسخ‌دهندگی محیط است که این کیفیت را نفوذپذیری می‌نامند. (بهزادفر، ۱۳۹۶).

نفوذپذیری یکی از موضوعاتی است که طراحی شهری با پرداختن به آن در صدد تحقق بخشیدن به اهداف خود و از آن راه، کمک به ارتقاء کیفیت محیط است. این اصطلاح به عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی در شکل‌بخشی و ارزیابی یک محیط،



مدنظر کارشناسان شهری است. (سینافر و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۳) نفوذپذیری هر نظامی از فضاهای همگانی به تعداد راه‌های بالقوه‌ای که برای عبور از یک نقطه به نقطه دیگر در نظر گرفته شده است بستگی دارد. که البته این راه‌ها باید شفاف و دیدنی باشند در غیر این صورت تنها افرادی که با آن آشنایی قبلی دارند از آن سود می‌برند. در این راستا نفوذپذیری بصری نیز اهمیت پیدا می‌کند. (بهزادفر، ۱۳۹۶)

دسترسی بصری امکان اجتناب از جرم یا فعالیت‌های نامطلوب را به ویژه در زنان و کودکان فراهم می‌کند. دسترسی اجتماعی یا ذهنی و این که مکان چگونه و برای چه کسی باید در دسترس باشد نیز به نحوه مالکیت مکان، در دسترس بودن آن برای گروه‌های خاص با نیازهای خاص مثل کودکان، سالخوردگان و معلولین وجود نماها در ایجاد حس مالکیت نمادین و دسترسی روانی گروه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی اشاره دارد. (حمه جانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۸) دعوت کننده بودن فضاهای عمومی و دسترسی آسان به این فضاها بر حضور مردم در فضا تأثیر بسزایی دارد. دسترسی به فضاهای عمومی به معنی پذیرا بودن حضور اجتماعی افراد در خود است. (همان: ۵۸)

راهبردهای معماری که معطوف به نفوذپذیری های شهری هستند، شامل امتزاج داخل خانه با بیرون از خانه و ساختمانهای مناظر شهری می باشند. همانند طرحی که توسط زاهّا حدید در مرکز هنری سینسیناتی ارائه شد. در طرح پردای کولهاوس، ارائه شده برای (جاده) رودیو درایو در تپه های اورلی هیلز در سال ۲۰۰۴، نفوذپذیری شهری، در نهایت منطق خود، در نمای مجموعه شهر مشهود است. در زمان افتتاح پروژه، همه آن چه داخل را از خارج جدا می کرد، عبارت بود از: جعبه پوشش داده شده از آلومینیوم، یک سیستم جداره هوا برای تنظیم کیفیت هوا و حسگرهای امنیتی ضد سرقت کار گذاشته شده در کف هر طبقه. کولهاوس می گوید: «ما می خواستیم از این فقدان نما استفاده کنیم تا اجازه دهیم مردم با آزادی کامل وارد مجموعه شده و یک وضعیت هیبریدی بین فضای عمومی بیرون و فضای تجاری داخل ایجاد شود». این تلفیق به طور عمیق تر، زمانی رخ می دهد که مؤسسات فرهنگی و هنرهای مردمی در صدد ایجاد ارتباط با جوامع محلی و جذب مخاطبان متنوع با ارائه طیف وسیعی از برنامه ها و برنامه فیزیکی مشترک بر می آیند. مرکز رشد پمپیدو در پاریس، طراحی شده توسط پیانو و راجرز در دهه ۱۹۷۰ پیشتر از این راستا بوده است. ترکیب گالری ها با کتابخانه ها، کتابفروشی ها، فروشگاه ها، تالارها و کافه ها در داخل ساختمان و نیز برقراری ارتباطات قوی با همسایگان غربی خود از طریق میدان سرزنده و فواره های بزرگ، هنرمندان خیابانی و جمعیت شهروندان را به صورت منظم به صحنه می کشاند. (سلطانی، ۱۳۹۱: ۱۱۳)

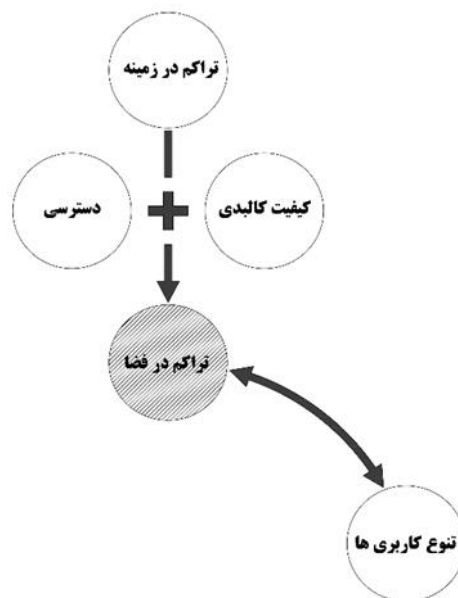
۴- تبیین ساختار تعامل پذیری بر اساس مدل های مفهومی

گفته شد که فضاهای عمومی زمانی به عنوان فضای شهری تلقی می گردند که بستری برای تعاملات و برخوردهای اجتماعی باشند. مطالعات صورت پذیرفته در این زمینه حول پارامترها و مؤلفه هایی سعی در تبیین آن ها به عنوان شروطی برای مطلوبیت فضا برای تعامل پذیری صورت گرفته است. اما چنین استدلال و استنتاج گردید که چپستی این مؤلفه ها کمتر می توانند در تحقق هدف مذکور کارساز عمل نمایند. بلکه آن چه اهمیت دارد چگونگی ارتباط و اتصال این مشخصه ها در یک شاکله فضایی می باشد. عموماً چه در شهرهای ایران و چه در تجاربی در شهرهای خارجی شاهد آن هستیم که توجه به مؤلفه های فضایی در قالب های آماری لزوماً تعمیم پذیر به بسترهای دیگر در همین موضوع نبوده و عدم توجه به ارتباط و پیوستگی آن ها راه را به خطا می برد. لذا در جمع بندی مفاهیم تعامل پذیری، سعی بر آن است تا در یک جمع بندی این مسأله را توضیح دهیم. این مفاهیم را تحت عناوین تراکم، تنوع و اختلاط کاربری، اختلاط زمانی، امنیت، نفوذپذیری، کیفیت کالبدی، دسترسی و ... شرح دادیم. حال به ارتباط این مؤلفه ها خواهیم پرداخت.



اولین مقوله تحت عنوان تراکم شرط اولیه و یکی از شروط اساسی برای مطلوبیت یک فضا برای برقراری کنش‌ها و برخوردهای انتخابی و تعاملات اجتماعی است. تراکم برخلاف تصور برنامه‌ریزان شهری، امری مطلوب برای یک فضای شهری تلقی می‌گردد. تراکم فضا را واجد پویایی کرده و از رخوت و سستی خارج می‌نماید. اما آن‌چه معمولاً مطرود است ازدحام در شهر و فضا می‌باشد که خلط این دو عنوان (یعنی تراکم و ازدحام) بحث را به بیراهه می‌برد. در واقع همچنان که پیش‌تر ذکر گردید تراکم به معنای نسبت جمعیت به هر آکر زمین است. اما تراکم را از دو جهت می‌توان مورد توجه قرار داد؛ اولاً تراکم در بستر و زمینه شهری به عنوان منبع تغذیه بنا، دوماً تراکم در خود فضا.

کیفیت کالبدی معماری و همچنین نحوه دسترسی _فاصله دسترسی یا نوع دسترسی_ دو شرط اولیه برای حضور تراکم جمعیت زمینه در فضا می‌باشد. همچنین تراکم در فضا به عنوان مشخصه‌ای پویا، تراکم بیشتری را نیز دعوت خواهد کرد. به نحوی که شاهد هستیم عموماً افراد برعکس آن‌چه اظهار می‌کنند، در فضاهایی حضور پیدا می‌کنند که واجد جمعیتی پویا باشد. از طرفی وجود تراکم در فضای شهری ارزش افزوده‌ای است برای تنوعی از کاربری‌ها که در عرصه مورد نظر حاضر هستند. ادامه حضور و زندگی این کاربری‌ها معطوف به تأمین هزینه‌های بالاسری است و تأمین هزینه متکی است بر حضور جمعیت. (شکل ۳)

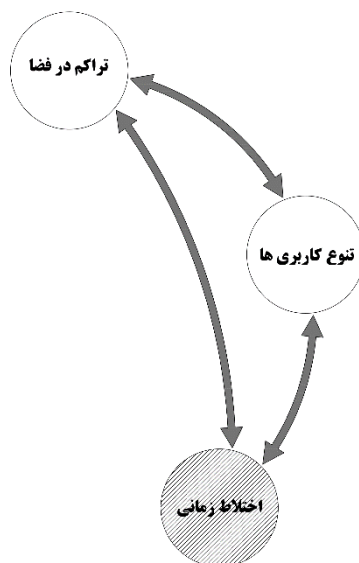


شکل ۳: تأثیر تراکم جمعیت بر تعامل‌پذیری و ارتباط آن با دیگر مؤلفه‌ها. (منبع: نگارنده)

این کاربری‌ها همچنان که پشته‌ای برای هم تلقی می‌گردند، هریک می‌تواند دلیلی برای حضور جمعیت در فضا نیز باشد. یعنی حضور یک کاربری جمعیتی را که به خود معطوف می‌کند و دلیل جذب طیفی از افراد در فضا می‌باشد. هر کاربری به عنوان ارزش افزوده‌ای برای کاربری‌های دیگر نیز عمل می‌کند به نحوی که مراجعه فرد به کاربری جانبی را نیز موجب می‌گردد. همچنین علاوه بر اینکه این کاربری‌ها از تراکم تغذیه می‌نمایند بر حفظ و اشاعه تراکم نیز مؤثر واقع می‌گردند. یعنی عملاً شاهد ارتباطی دوسویه بین این دو مؤلفه هستیم.

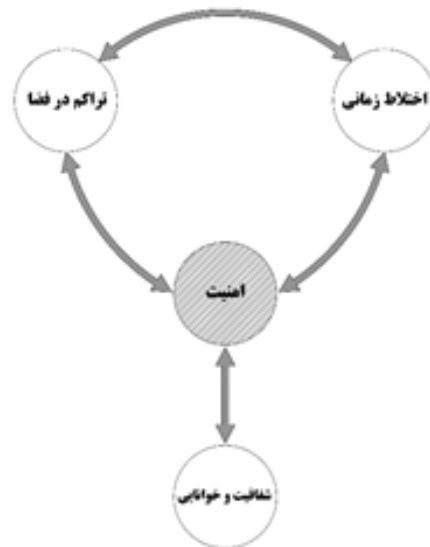


ذکر این نکته نیز واجد اهمیت است که کاربری‌های متنوع طیفی از تنوع جمعیت را موجب می‌گردند. از طرفی توجه به مسأله اختلاط زمانی این کاربری‌ها واجد اهمیت ویژه‌ای است که هم با زندگی تنوع‌ها در ارتباط بوده و هم با حضور تراکم. اختلاط زمانی کاربری‌ها موجب می‌گردد که تنوع‌ها به نحوی در کنار هم چیدمان شوند که کاربرد آن‌ها در دامنه‌های زمانی در طول روز پخش گردد. بخشی از کاربری‌ها استفاده‌ای منوط به صبح یا ظهر را در بر دارند و طیفی دیگر ممکن است در ساعاتی از شب کاربرانی را به خود جذب کنند. این مهم از متمرکز شدن جمعیت در ساعاتی خاص از شبانه‌روز کاسته و با پخش این جمعیت در طیف‌های زمانی از خلوت و ازدحام در فضای موردنظر جلوگیری می‌کند. لذا شاهد فضایی خواهیم بود که پویایی را در طول شبانه‌روز واجد است. (شکل ۴)



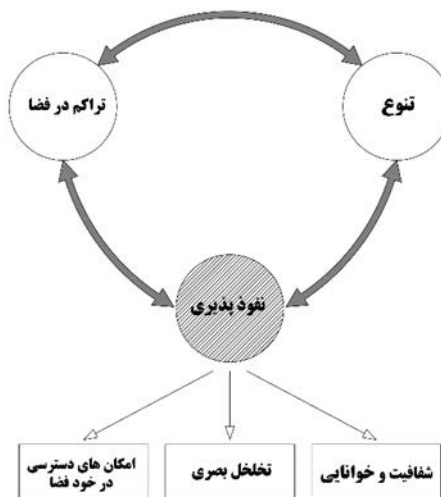
شکل ۴: تأثیر اختلاط زمانی کاربری‌ها بر تعامل‌پذیری. (منبع: نگارنده)

خلوت در فضا و همچنین ازدحام از عوامل اساسی در ناامنی یک فضای شهری تلقی می‌گردند. همواره شاهد این هستیم که فضاهای خلوت از جهت نبود خودکنترلی از سمت جمعیت حاضر به عنوان چشمان ناظر واجد ناامنی بیشتری بوده و طیف گسترده‌ای از جنایات در فضاهای خلوت صورت می‌پذیرد. همین مهم در مورد فضاهای پرازدحام نیز صادق است. کنترل بالا به پایینی در فضای پر ازدحام به مراتب دشوار تر از فضایی با تراکم مناسب می‌باشد. لذا تراکم به معنای حضور اندازه جمعیت فضا را واجد خودکنترلی می‌کند. همچنین حضور مغازه‌ها به عنوان بخشی از تنوع کاربری‌ها علاوه بر این که به تراکم حاضر کمک می‌کند، به عنوان چشمانی ناظر بر فضا بر امنیت محیط نیز می‌افزاید. (شکل ۵)



شکل ۵: امنیت در فضای تعامل پذیر. (منبع: نگارنده)

تراکم و تنوع موجبات امنیت را موجب گشته و خود امنیت دلیلی بر حضور تراکم و تنوع در فضا می‌باشد. مسأله امنیت علاوه بر این که به حضور جمعیت و اختلاط زمانی و تنوع کاربری متکی است، به ویژگی‌های کالبدی فضا مبنی بر خوانایی و شفافیت نیز بستگی دارد. یعنی زمانی چشمان حاضر می‌توانند ناظر بر فضا باشند که فضا شفاف و نیز خوانا بوده و نقاط دور از دیدی در فضا وجود نداشته باشد. تخلخل بصری، شفافیت و خوانایی ویژگی‌هایی هستند که تحت عنوان نفوذپذیری تعریف می‌شود. یکی دیگر از مشخصه‌ها و تعاریف نفوذپذیری، نحوه دسترسی و تخلخل‌های موجود در معماری مدنظر است. پس نفوذپذیری هم بر امنیت فضا مؤثر است و هم بر حضور تراکم. (شکل ۶)



شکل ۶: نفوذپذیری و ارتباط آن با مؤلفه‌های تعامل پذیری. (منبع: نگارنده)



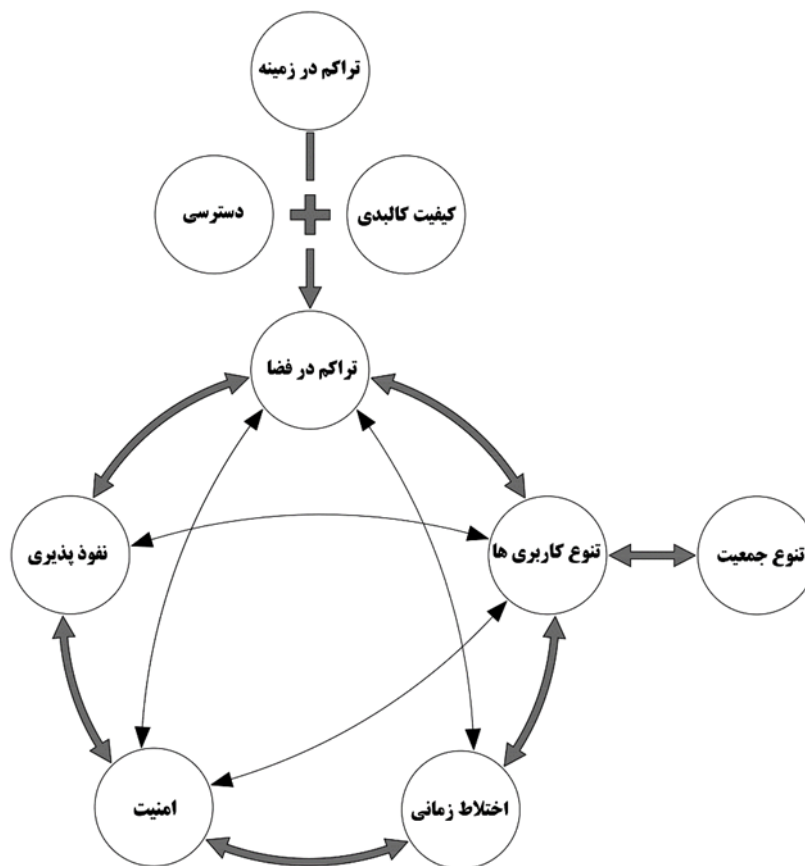
۵- نتیجه‌گیری

در دوره مدرن با تنزل برخی مسائل به حوزه‌های جدا از هم در بستر شهر، شاهد کارکرد نامطلوب فضاهای شهری بوده‌ایم. شهرها بستری از روابط پیچیده هستند که رفتارهای شهری تابع چگونگی روابط معنادار در این عرصه‌ها هستند. تنزل میدانی و بلوارهای شهری به معابر و همچنین جداسازی حوزه‌های شهری، بخشی از این اتفاقات در شهرهای مدرن در سده اخیر بوده‌اند. نتیجه نامطلوب این اقدامات لزوم توجه به شهر و عرصه‌های شهری را طی مدل‌های کل‌نگر گوشزد می‌کند. آن‌چه در ابتدا توجه به آن اهمیت دارد، اجتماع‌پذیری و تعاملات اجتماعی در عرصه‌های عمومی است. شرط اساسی برای آن‌که این فضاها را تحت عنوان فضای شهری بشناسیم شکل‌گیری روابط معنادار بین شهروندان در این فضاها است. این تعاملات رابطه مردم را با محیط قوی‌تر کرده و موجب تقویت هویت اجتماعی در شهروندان می‌گردد.

پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه تعامل‌پذیری فضاهای شهری، عواملی از قبیل: دسترسی، امنیت، هویت مکانی، آسایش روانی و فیزیکی فضا، دعوت‌کنندگی، جذابیت، شفافیت، نفوذپذیری و ... را مورد توجه قرار داده است. عموم پژوهش‌های صورت گرفته سعی داشته‌اند تا میزان اهمیت این عوامل را در زمینه‌های مختلف مورد توجه قرار دهند. هرچند مطالعات آماری این مؤلفه‌ها حائز اهمیت می‌باشد، اما مطالعه آن‌ها به صورت عوامل منفک از هم تأثیر سطحی و جزئی می‌تواند به دنبال داشته باشد. فرآیندهای شهری از حیث پیچیدگی، نیازمند توجه کل‌نگر در ساختاری منسجم و بافته را می‌طلبد. لذا سعی گردیده تا روابط مفهومی بین این مؤلفه‌ها بررسی گردد. در این بین تراکم جمعیت شرط اول برای تعامل‌پذیری فضای شهری می‌باشد.

پژوهش‌های صورت گرفته مؤید این مطلب است که افراد در مکان‌های خلوت تمایل کمتری برای حضور دارند. نکته دیگر تقسیم مفهوم تراکم به دو مفهوم تراکم در فضا و تراکم در زمینه خواهد بود. کیفیت کالبدی عرصه موردنظر و همچنین دسترسی آسان، اولین عوامل مؤثر بر حضور تراکم زمینه در فضا خواهد بود. تراکم در فضا عاملی سودمند برای تنوع‌های کاربری در محیط می‌باشد. حضور تراکم به عنوان مخاطب، امکان تأمین هزینه‌های بالاسری کاربری‌ها را فراهم می‌کند. در نتیجه این کاربری‌ها می‌توانند باقی بمانند. همچنین هر کاربری، طیفی از جمعیت منوط به خود را به فضا دعوت می‌کند. تنوع کاربری طیفی از تنوع جمعیت را نیز به عنوان مخاطب به همراه خواهد داشت. نکته دیگر توجه به اختلاط زمانی تنوع‌های کاربری در طول شبانه‌روز می‌باشد. (شکل ۷)

اختلاط زمانی این کاربری‌ها، طیف متعادلی از جمعیت را در فضا موجب خواهد بود که مانع ازدحام یا خلوت فضا در ساعاتی خاص می‌گردد. تراکم اندازه از شروط اساسی امنیت فضاهای شهری محسوب می‌گردد، به نحوی که چشمان ناظر تراکم، موجب خودکنترلی فضای شهری می‌گردد. همچنین حضور جمعیت در فضا نیز در گرو امنیت خواهد بود. ناامنی در فضاهای شهری، جمعیت را فراری داده و امکان رویدادهای اجتماعی از آن ساقط می‌گردد. در نتیجه مسأله امنیت در ارتباط با تراکم زمانی و اختلاط کاربری‌ها خواهد بود. همچنین حضور تنوع نیز به عنوان چشمان ناظر بر فضا عامل دیگر مؤثر بر امنیت می‌باشد. امکان خودکنترلی در فضا به عامل شفافیت بصری و خوانایی بستگی دارد. شفافیت و خوانایی، تخلخل بصری و امکان‌های دسترسی در فضا تحت عنوان نفوذپذیری تعریف می‌گردند. لذا نفوذپذیری نه تنها عاملی بر امنیت خواهد بود، همچنین بر وجود تراکم در فضا نیز مؤثر خواهد بود، به نحوی که شفافیت و تخلخل بصری مؤلفه‌ای برای جذب جمعیت به فضا می‌باشد. شاهد آن هستیم که عوامل مذکور در ساختاری منسجم در ارتباط با هم رفتاری را موجب می‌گردند. (شکل ۷) لذا این ویژگی‌های گره خورده و در هم تنیده در کنار هم کلاف بافته‌ای هستند که فضا را تبدیل به عرصه‌ای مطلوب برای برقراری برخوردهای انتخابی کرده و باعث می‌شوند کنش‌ها و تعاملات اجتماعی محقق گردد. در نتیجه با چنین مدلی مواجه خواهیم بود: (شکل ۷)



شکل ۷: دیاگرام تعامل پذیری در فضای شهری. (منبع: نگارنده)

مراجع

- احقر، م، رادفر، ب. (۱۳۹۴). "بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای تعاملات اجتماعی در میان ساکنان محله مسکونی (نمونه موردی: محله برج قربان همدان)", مجله مطالعات محیطی هفت حصار، شماره ۱۴، ص ۱۵-۲۴.
- الین، ن. (۱۳۹۱) "شهرسازی کمال‌گرا، ترجمه علی سلطانی، تهران: انتشارات آذرخش.
- برمن، م. (۱۳۹۲). "تجربه مدرنیته"، ترجمه مراد فرهادپور، چاپ هشتم، تهران: انتشارات طرح نو.
- بهزادفر، م. طهماسبی، ا. (۱۳۹۲). "شناسایی و ارزیابی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تعاملات اجتماعی (تحکیم و توسعه روابط شهروندی در خیابان‌های شهری: نمونه موردی مطالعه سنندج)", نشریه باغ نظر، شماره ۲۵، ص ۱۷-۲۸.
- پاکزاد، ج. (۱۳۸۹). "سیر اندیشه‌ها در شهرسازی" جلد اول تا سوم، تهران: انتشارات آرمان‌شهر.
- تیبالدز، ف. (۱۳۸۳). "ساختن شهرهای مردم‌پسند"، ترجمه مصطفی بهزادفر، تهران: دانشگاه علم و صنعت.
- جیکوبز، ج. (۱۳۹۶). "مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی"، ترجمه حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حبیبی، م. (۱۳۸۷). "فضای شهری، حیات واقعی و خاطره‌های جمعی"، نشریه صفا، شماره ۲۸.



- حمه‌جانی، ی. بازیدی، ق. سحابی، ج. (۱۳۹۷). "بررسی تأثیر الگوهای کالبدی نظام استقرار بر اجتماع‌پذیری فضا در معماری هورامان"، نشریه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۶۴، ص ۵۵-۶۸.
- دانش‌پور، ع. چرخچیان، م. (۱۳۸۶). "فضاهای عمومی و عوامل مؤثر بر حیات جمعی"، نشریه باغ نظر، شماره ۷، ص ۱۷-۲۸.
- سینافر، ع. پرتوی، پ. شکوهی، م. (۱۳۹۱). "بررسی نقش نفوذپذیری در ارتقاء کیفیت محله (مطالعه موردی: محله نارمک تهران)"، نشریه هویت شهر، شماره ۲۱، ص ۹۱-۱۰۰.
- شجاعی، د. پرتوی، پ. (۱۳۹۴). "عوامل مؤثر بر ایجاد و ارتقاء اجتماع‌پذیری در فضاهای عمومی با مقیاس‌های مختلف شهر تهران (نمونه موردی: فضاهای عمومی دو محله و یک ناحیه در منطقه ۷ تهران)"، نشریه باغ نظر، شماره ۳۴، ص ۹۳-۱۰۸.
- غفوریان، م. حصارى، ا. (۱۳۹۳). "بررسی نقش مرکز محلات بر افزایش تعاملات اجتماعی ساکنین؛ پژوهش موردی: مرکز محله کوتی بوشهر"، اولین کنفرانس سراسری توسعه محوری مهندسی عمران، معماری، برق و مکانیک ایران.
- کربلایی غیاثوند، ا. سهیلی، ج. (۱۳۹۵). "بررسی نقش مؤلفه‌های کالبدی محیط در اجتماع‌پذیری فضاهای فرهنگی با استفاده از تکنیک چیدمان فضا، مورد مطالعاتی: مجتمع‌های فرهنگی دزفول و نیاوران"، نشریه آرمان‌شهر، شماره ۲۵، ص ۳۶۱-۳۷۳.
- ماجدی، ح. منصوری، ا. حاجی احمدی، آ. (۱۳۹۰). "بازتعریف فضای شهری (مطالعه موردی: محور ولیعصر حدفاصل میدان ولیعصر تا چهارراه ولیعصر)"، نشریه مدیریت شهری، شماره ۲۷، ص ۲۶۳-۲۸۳.
- مدنی‌پور، ع. (۱۳۸۷). "فضاهای عمومی و خصوصی شهر"، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری شهرداری تهران.
- Barker, R.G. (1968). Ecological Psychology: Concepts and Methods for Studying the Environment of Human Behavior. Stanford. Stanford University Press.
- Farida, N. (2013). Effects of Outdoor Shared Spaces on Social Interaction in a Housing Estate in Algeria, Frontiers of Architectural Research, 457-467.
- Whyte, W. (1980). Social Life Of Small Urban Spaces, Conservation Foundation.